



درس خارج فقه نظام سیاسی آیت الله اراکی رحمته الله علیه «جلسه ۳۹»

سال تحصیل ۹۸-۹۹

نقد یازدهم

تفکر دموکراسی تفکر خیال پردازانه ایست و با واقعیت های اجتماعی کاملاً ناسازگار است. ما به سه نکته اشاره می کنیم که نشان دهنده این است که آنچه در دموکراسی مطرح می شود از اینکه مردم خود بر سرنوشت خود حاکم می شوند، قابل تحقق نیست:

۱. در هر جامعه ای اکثریت مردم قدرت سنجش ندارند و آنهایی که اهل سنجش و بررسی و تشخیص در سیاست هستند اقلیت جامعه اند، و خواه ناخواه اکثریت تعیین کننده، آن اکثریت مردمند که تصمیم و تشخیص ندارند و تصمیم و تشخیص آنها هم تابع اقلیتی است که ثروت و رسانه دست آنهاست و صاحبان قدرت و ثروت و رسانه هستند که این اکثریت را به هر سو که بخواهد می کشانند و این یک واقعیت اجتماعی است و تجربه های اجتماعی نظام های دموکراسی این را تایید می کند.

اما در مردم سالاری دینی یک منبع قبل الانسانی قابل اعتماد وجود دارد که معیارهای سالم را مشخص می کند، معیاری که خطا ناپذیر است و مشروعیت می دهد و مردم از آن مشروعیتی که از جانب منبع غیر انسانی آمده است حمایت می کنند و قدرت را به دست او می سپارند و این مردم سالاری دینی می شود و اگر غیر از آنکه دین مشخص کرده را برای حکومت انتخاب کنند، دیگر این مردم سالاری دینی نیست بلکه غیردینی است. و اگر این معیارهای دینی و سالم وجود نداشته باشد کسانی که قدرت و رسانه در دست آنهاست معیارهای ناسالم را پررنگ می کنند و رای اکثریت مردم را به سمت خود می کشانند.

۲. برفرض اینکه به صورت اتفاقی مردم، فرد بهتر را انتخاب کردند، چه تضمینی وجود دارد که منتخب مردم در ادامه و بعد از اینکه قدرت به دست او آمد، تغییر نکند و منافع خود را بر منافع مردم ترجیح ندهد. و برای حفظ قدرت خود دست به هر کاری نزنند؟

تجربه اجتماعی از نظام های دموکراسی نشان می دهد که امنیت در این نظام ها در حدی است که جامعه آرام باشد تا شخصی که در قدرت است بتواند به منافع خود برسد اما هر وقت این آرامش جامعه نتواند منافع صاحبان قدرت را تامین کند، امنیت را به هم می زنند و با بمب اتم همه جا را نابود می کنند. در تاریخ بشر نداریم موردی که نظام های استبدادی بمب اتم زده باشند؛ بلکه همین نظام های دموکراسی بودند که بمب اتم زدند و ده ها هزار نفر را کشتند، نه نظام های غیردموکراسی. مگر نظام هیتلر دموکراسی نبود؟

در این نظام ها مقداری تأمین معاش مردم می کنند که مردم شورش نکنند و نظام دموکراسی نظامی نیست که عدالت و تامین رفاه حقیقی مردم مد نظر حاکمان باشد. فقر موجود در جوامع اروپایی مخصوصا در انگلیس و آمریکا فقر عجیبی است، لکن نمی گذارند که اینها رسانه ای شود. الان بسیاری از مردم آمریکا به وسیله کلیساها و امور خیریه تامین معاش می شوند و اگر اینها نباشند از گرسنگی می میرند. لکن آنها در بوق های خودشان تبلیغ می کنند و جامعه را قشنگ نشان می دهند.

هندوستان را به عنوان یکی از بهترین الگوهای دموکراسی معرفی می کنند، ببینید چه خبر است در هندوستان. در سفری که به هندوستان داشتیم، دیدیم همه جا تبلیغات است که دولت کار بزرگی برای مردم کرده است، پرسیدیم چه کاری کرده؟ گفتند: دولت اخیرا تصمیم گرفته در بعضی از خیابان ها آتش روشن کند تا کسانی که در خیابان ها زندگی می کنند از سرما نمیرند. این بزرگ ترین دست آورد نظام دموکراسی است برای مردم؛ در هندوستانی که مملکت بسیار ثروتمندی است، اکثریت فقیر وجود دارد نه اقلیت فقیر.

درس خارج فقه نظام سیاسی ۳

آنوقت به ما ایراد می گیرند که در جمهوری اسلامی فقر وجود دارد؛ در حالی که ما با همه مشکلات و محاصره اقتصادی و جنگ و ... نهادهایی دولتی وجود دارد که معاش حداقلی را برای کسانی که تأمین معاش برایشان مقدور نیست، تأمین می کنند.

پایان